

بهره‌های یادکرد آثار در تألیفات شیخ صدوق رحمته الله

سید محسن موسوی *

چکیده

مطالعه و پژوهش در متن آثار نویسندگان کهن، بهره‌های فراوانی در پی دارد. بسیاری از اطلاعات لازم درباره نویسنده، مانند استادان، شاگردان، آرا و نوشته‌هایش را می‌توان از راه مطالعه آثار او، بی‌واسطه به دست آورد. شیخ ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، در زمره‌ی دانشمندانی است که اطلاعات ارزشمند فراوانی در لابلای نوشته‌هایش به خواننده ارائه می‌شود. شیخ صدوق با نام بردن از آثارش در متن نوشته‌های خود، بهره‌های بسیاری را برای خوانندگان و پژوهشگران آثارش برجای نهاده است. در این نوشته که به روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد متن‌پژوهی به سامان رسیده است، بخشی از فواید یادکرد آثار شیخ صدوق ارائه خواهد شد. **کلید واژه‌ها:** شیخ صدوق، تألیفات، کتاب‌های مفقود.

ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (م. ۳۸۱.ه.ق) یکی از دانشمندان بزرگ شیعی و نویسندگان پرکار در حوزه‌های مختلف علوم دینی بوده است. آثار وی را تا سیصد اثر برشمرده‌اند^۱ که برخی از آن‌ها خود شامل چند جزء و مجلد بوده است. فهرست نویسان و رجالیان، نام بیش از دویست عنوان از کتاب‌ها و رساله‌های او را در لیست آثار او آورده‌اند.^۲ در برخی پژوهش‌های جدید این تعداد را به بیش از ۲۳۰ اثر رسانده‌اند.^۳ کتاب‌های صدوق در رشته و موضوع خاصی مانند «فقه» خلاصه نمی‌شود، بلکه وی دانشمندی ذی‌فنون و نویسنده‌ای پرکار در رشته‌های گوناگون علمی و معارف اسلامی بوده است. او در رشته‌های مختلفی چون: فقه، حدیث، تاریخ، کلام، تفسیر قرآن، رجال، غریب‌الحدیث و... قلم زده است.

شیخ صدوق مانند هر نویسنده دیگری دارای سبک نگارشی خاص در آثار خود است. وی ابتکارات جالب و ویژگی‌های کم‌نظیری در نگارش‌های خود دارد. برای مثال، او به قالب‌های نو و جذاب در ارائه حدیث توجه داشته و حدیث را در قالب‌های گوناگون به مخاطبان خود عرضه داشته است. شیخ صدوق سبک‌های نگارشی متعددی چون: غیبت‌نگاری مسائل نویسی، نوادرنویسی، علل‌نگاری، فضایل‌نگاری، امالی‌نویسی و... و نیز سبک‌های غیرمتداولی مانند: مجموعة المصاییح و الزهد و حجج‌نگاری و جامع‌نگاری را در کارنامه خود دارد.

یکی دیگر از ویژگی‌های نگارشی شیخ صدوق این است که گاه به مناسبتی ویژه، از آثار و تألیفات گذشته و آینده خود یاد کرده و نام نوشته‌های خود را همراه با اطلاعاتی دیگر در لابه‌لای متن کتاب‌ها می‌آورده. این ویژگی، بهره‌های بسیاری را برای خوانندگان و پژوهش‌گران آثار شیخ صدوق فراهم کرده است. صدوق در ابتدای برخی از احادیث و در سند آن، اطلاعات بسیار مفیدی را ارائه می‌دهد. تاریخ استماع حدیث، مکان تشکیل مجلس علمی، برخی مشخصات استاد و شیخ حدیث، نحوه دریافت حدیث مانند: اجازه، سماع، کتابت و... از اطلاعات جزئی‌ای است که شیخ به

۱. الفهرست، (طوسی)، ص ۲۳۷.

۲. نک: رجال (نجاشی)، ص ۳۸۹؛ الفهرست (طوسی)، ص ۲۳۷؛ معالم العلماء، ص ۱۴۶.

۳. الهدایة فی الاصول والفروع، ص ۱۶۸-۲۰۴.

آن‌ها اشاره کرده و اکنون راه‌گشای بسیاری از پژوهش‌هاست. در این نوشتار برآنیم که به دسته‌ای از اطلاعات جزئی ارائه شده در آثار شیخ صدوق توجه کرده و ضمن برشماری جایگاه‌های ذکر نام تألیفات، به بررسی فواید این کار بپردازیم.

ذکر آثار در آثار دیگر

ذکر نام کتاب‌ها در آثار شیخ صدوق دلایلی دارد، که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. تکرار همان حدیث در کتابی دیگر

اگر شیخ صدوق حدیثی را در کتابی بیاورد که همان حدیث را به همان شکل یا با تفاوتی اندک در کتابی دیگر نقل کرده باشد، این نکته را به خواننده متذکر می‌شود. او در کتاب *من لایحضره الفقیه*، پس از ذکر حدیثی می‌فرماید: «وقد أخرجت هذه الحدیث فی کتاب الفوائد.»^۱ هم‌چنین اگر مجموعه‌ای از احادیث مناسب با موضوع آن حدیث را در کتابی دیگر آورده باشد، آن را تذکر داده است. برای نمونه، در کتاب *عیون أخبار الرضا* پس از ایراد روایاتی در باب امامت می‌گوید:

وقد أخرجت الأخبار التي رويتها في هذا المعنى في كتاب كمال الدين وتمام النعمة في اثبات الغيبة وكشف الحيرة.^۲

۲. تذکر به انقطاع سند و مانند آن

یکی از دلایلی که موجب یادکرد صدوق از آثارش دیگرش، اشکال‌های سندی است که خود به آن متوجه بوده و خواننده آثارش را به آن آگاه می‌کند. او برای بهره‌برداری بهتر از کتاب، خواننده را به اسناد بهتر و متصل ارجاع می‌دهد که در کتاب‌های دیگرش آمده است. برای نمونه، او در کتاب *معانی الأخبار* در باب معنای اسم‌های انبیا می‌گوید:

حدثنا مشايخنا - رضي الله عنهم - باسانيد مرفوعة متصلة قد ذكرتها كتاب علل

۱. ج ۱، ص ۲۰۳.

۲. ج ۱، ص ۵۷.

الشرايع والأحكام والأسباب و...^۱

گاه ایشان حدیثی را به صورت «مرسل» ذکر می‌کند و خواننده را به رؤیت همان حدیث به طور مسند دعوت می‌کند. در کتاب *من لایحضره الفقیه* در باب فضایل نماز آمده است: «وقد أخرجت هذه الأخبار مسندة مع ما رویت فی معناها فی کتاب فضایل الصلاة».^۲

۳. تذکر به تقطیع حدیث

شیخ صدوق به مناسبت مباحثی که در کتاب خود از آن بحث می‌کند، روایاتی را می‌آورد که گاه طولانی‌اند و در آن شرایط، نیازی به ایراد آن حدیث به صورت کامل نیست؛ بنابراین آن حدیث را تقطیع کرده و فقط بخشی از آن را که مناسب موضوع بوده و بدان نیاز داشته، آورده است. در این‌گونه موارد، شیخ صدوق خواننده را برای دست‌یابی به متن کامل به کتاب‌های دیگرش ارجاع می‌دهد. برای مثال، او در جایی از کتاب *التوحید* می‌گوید: «والحدیث طویل أخذنا منه موضع الحاجة وقد أخرجته بتمامه فی کتاب الدلائل والمعجزات»،^۳ و در مقامی دیگر در کتاب *من لایحضره الفقیه* می‌گوید: «والحدیث طویل أخذنا منه موضع الحاجة وقد أخرجته فی تفسیر القرآن».^۴

۴. طرق دیگر حدیث

گاه روایتی به طرق سندی گوناگون از معصوم علیه السلام نقل می‌شود. شیخ صدوق ذیل بعضی از احادیث این نکته را متذکر می‌شود که این حدیث را با طریق یا طرق روایی دیگر در کتابی دیگر آورده‌ام. ایشان در کتاب *کمال‌الدین و تمام‌النعمه* در باب نص بر امامت ائمه علیهم السلام می‌گوید:

وقد اخرجت الطرق فی هذا الحدیث عبدالله بن مسعود و من طرق جابر بن سمرة فی کتاب النص علی الأئمة الاثنی عشر بالامامة.^۵

۱. ص ۱۴۱.

۲. ج ۱، ص ۲۱۱.

۳. ص ۳۶۸.

۴. ج ۲، ص ۳۲۸.

۵. ص ۶۸۱.

و نیز در کتاب عیون أخبار الرضا علیه السلام می‌گوید: «ولهذا الحدیث طریق آخر أخرجه فی مدینه العلم».^۱

۵. ارجاع به مجموعه‌های کامل‌تر

نیک روشن است که در هر کتابی، از موضوعات گوناگونی سخن گفته می‌شود. صدوق در برخی از موضوعاتی که به بحث می‌گذارد، مخاطب را به کتابی کامل‌تر که در آن موضوع نگاشته است - راهنمایی می‌کند. برای نمونه، در کتاب *کمال‌الدین و تمام‌النعمه* در باب ویژگی‌های امام زمان علیه السلام می‌گوید:

قال مصنف هذه الكتاب: وقد أخرجت ما روی فی علامات القائم علیه السلام و سیره و ما یجری فی ایامه فی کتاب السّر المكتوم الی الوقت المعلوم.^۲

فواید ذکر آثار

بی‌تردید، شیخ صدوق و نویسندگان دیگری که نام و نشانی کتاب‌های دیگرشان را در اثری می‌آورند، به دنبال اهدافی بودند و امروزه فایده‌های علمی این امر، نصیب محققان شده است. بهره‌هایی که شیخ صدوق با یادکرد خود از کتاب‌های نصیب خواننده آثارش می‌کند، در چند گروه جای می‌گیرند:

۱. یکی از زمینه‌های مهم در پژوهش‌های متون کهن، درستی یا نادرستی انتساب کتاب‌ها به نویسندگان آن‌ها است. با پیشرفت علم و تلاش پژوهش‌گران در طول قرون و اعصار، روشن می‌شود که برخی از این انتساب‌ها صحّت ندارد و بر نتیجه‌های علمی‌ای که به واسطه این انتساب حاصل آمده، خط بطلان کشیده شده است. چنان‌که پس از قرن‌ها روشن گردید که کتاب *اثولوجیا*، نوشته افلوپین است نه ارسطو؛ یا این‌که کتاب *الجمع بین الرأیین* نوشته فارابی نیست. و نیز پژوهش‌گری پس از قرن‌ها شهرت انتساب کتاب *الإختصاص* به شیخ مفید، به اثبات رسانید که این کتاب نوشته شیخ مفید نیست.^۳

برای اثبات صحت انتساب کتاب‌ها به نویسندگان آن‌ها، راه‌های گوناگونی وجود

۱. ج ۱، ص ۲۰۳.

۲. ص ۶۵۶.

۳. رک: مجله نور علم، «شیخ مفید و کتاب اختصاص»، ش ۴۰ و ۴۱، شهریور و آذر ۱۳۷۰، ص ۶۰-۸۱.

دارد. یکی از این راه‌ها، ذکر نام کتاب در آن اثر یا آثار دیگر مؤلف است. شیخ صدوق با نام بردن از کتاب‌های مختلفش در دیگر آثار خود، صحت انتساب بسیاری از آثارش را روشن می‌کند.

۲. بحث مشکل صحت انتساب کتاب‌ها به مؤلفان آن‌ها، در فهرست‌ها نیز به چشم می‌خورد. درستی انتساب برخی آثار نام برده شده در فهرست‌ها، محل تردید بوده و نام برخی آثار مشهور که به نام برخی از دانشمندان شهرت یافته است، در فهرست‌ها نیامده است؛ برای نمونه، در هیچ یک از آثار فهرست نویسان، از جمله شیخ طوسی و نجاشی که شاگردان مفید هستند، نامی از کتاب *تصحیح الاعتقاد* منسوب به شیخ مفید برده نشده است، و این نکته انتساب کتاب نام برده را به شیخ مفید تضعیف می‌کند. شیخ صدوق، با یادکرد آثارش در متن نوشته‌های خود، گزارش فهرست نویسان و رجالیان از فهرست آثار خود را تأیید می‌کند.

۳. یکی از مشکلات پیش روی دانشیان، ضبط دقیق نام افراد و اسامی کتاب‌هایشان است؛ مثلاً به روشنی معلوم نیست که نام کتاب مشهور شیخ صدوق در اعتقادات شیعه چیست: *الاعتقادات فی دین الإمامیه*، *دعایم الاعتقاد*، *الاعتقادات*، *اعتقادات الإمامیه* و یا نامی دیگر؟

با گزارش‌هایی که شیخ صدوق از آثار خود داده است، نام دقیق و صحیح برخی از کتاب‌هایش دانسته می‌شود؛ چنان‌که برخی از دانشیان کتاب *کمال الدین و تمام النعمه* را به مناسبت آیه «*إكمال الدین*»،^۱ با نام «*إكمال الدین و تمام النعمه*» شناخته و شناسانده‌اند،^۲ ولی صدوق خود در گزارش‌های مختلفش، این کتاب را با نام *کمال الدین و تمام النعمه فی اثبات الغیبه و کشف الحیره* معرفی می‌کند.^۳

هم‌چنین فهرست‌های معروف، معرفی‌کننده کتابی از شیخ صدوق با نام *ابطال الغلو و التقصیر* نام برده هستند.^۴ با این عنوان، این گونه تداعی می‌شود که شیخ صدوق دو عقیده مقابل هم، یعنی غلو و تقصیر را ابطال کرده است؛ دو عقیده‌ای که هر یک از پیروان مکتب قم و بغداد یکدیگر را به آن متهم می‌ساختند. در حالی که موضوع

۱. مائده، آیه ۳.

۲. *الذریعه*، ج ۲، ص ۲۸۲، رقم ۱۱۴۷.

۳. *عیون الأخبار الرضا*، ج ۱، ص ۵۸؛ *کتاب من لایحضره الفقیه*، ج ۴، ص ۱۸۰؛ *الخصال*، ص ۲۱۵، ح ۲۵۷.

۴. *رجال* (نجاشی)، ص ۳۹۲.

کتاب، ردّ و ابطال غلو و تفویض است که هر دو عقیده از یک سنخ و موضعند. شیخ صدوق از این کتاب با عنوان *ابطال الغلو و التفویض* نام می برد. وی در پایان باب چهل و ششم کتاب *عیون اخبار الرضا* علیه السلام پس از نقل حدیثی از امام رضا علیه السلام درباره غلو و عدم اعتقاد به سهو پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می گوید: «وقد اخرجت ما رویته فی هذا المعنی فی کتاب ابطال الغلو و التفویض».^۱

شایسته بیان است که این دسته از یافته ها در رفع پاره ای از تصحیف ها نیز به یاری پژوهش گر خواهد آمد؛ چنان که در نمونه مذکور، «تفویض» می تواند تصحیفی از «تقصیر» باشد.

۴. یکی دیگر از بهره های یادکرد صدوق از آثار خود، این است که تقدم و تأخر نگارش کتاب های او روشن می گردد، زیرا او در گزارش هایش با فعل های ماضی و مضارع، به آثارش توجه می دهد که: در فلان کتاب چنین کردم یا در فلان کتاب چنان خواهم کرد. با بررسی کتاب های نام برده شده در نوشته ای، موقعیت نگارشی آن را نسبت به آثار دیگر صدوق درمی یابیم.

با بررسی مجموع گزارش های صدوق درباره کتاب هایش، پرسشی در ذهن شکل می گیرد و آن از ارجاع موازی صدوق به آثارش نشئت می گیرد؛ به دیگر سخن، گاه صدوق در کتاب «الف» می گوید: حدیث حاضر یا مجموعه ای مانند آن را در کتاب «ب» آورده ام. آن گاه در کتاب «ب» همانند آن گزارش وجود دارد که می گوید: به کتاب «الف» رجوع کنید. بنا بر قاعده، ذکر نام کتاب با صیغه ماضی و ارجاع خواننده به کتابی پیش نوشته، نشانه تقدم آن بر کتاب حاضر است، ولی چگونه می توان دو کتاب را به یکدیگر ارجاع داد و آن را پیش نوشته خواند؟

مانند آنچه درباره کتاب های *الخصال* و *التوحید* و نیز کتاب های *کمال الدین* و *علل الشرائع* رخ داده است که هر یک به دیگری ارجاع داده شده است.^۲

برای حل این مسئله و دور کردن تهمت بی توجهی از شیخ صدوق، دو نظر در میان دانشیان مطرح شده است:

یک: برخلاف آن چه که معمول است و نویسندگان سعی دارند تا یک کتاب را در

۱. ج ۲، ص ۲۲۰.

۲. برای نمونه نک: به *التوحید*، ص ۴۰۷ و *الخصال*، ص ۵۹۴؛ و نیز: *کمال الدین و تمام النعمه*، ص ۳۹۲ و *علل الشرائع*، ج ۱، ص ۲۶۴.

دستور کار داشته و فقط به آن فکر کرده و درباره آن بنویسند، شیخ صدوق و بسیاری از نویسندگان اسلامی دوران پیشین، دو یا چند کتاب را در عرض هم می‌نگاشتند؛ بدین صورت که دفتر ویژه هر کتاب باز بوده و روزانه یا هر از گاهی مقداری از آن را نوشته و تکمیل می‌کردند. بنابراین، این‌گونه موارد، نشان‌دهنده هم‌زمانی نگارش کتاب‌های نام‌برده است.

دو: نظر دیگر این‌که روش نگارشی شیخ صدوق این‌گونه نبوده است که کتابی را نوشته و دفتر نگارش آن را ببندد و آن را به کناری گذارد؛ یا این‌که در میان اهل دانش نشر داده و دیگر به ویرایش یا تغییر و تکمیل آن نیندیشد، بلکه در برخی از موضوعات مهم مانند: «غیبت» چند تألیف مستقل داشت و گاه دفتر تألیفات کتابی را تا مدت زمانی طولانی نمی‌بست و همواره در صدد تکمیل و تهذیب آن بود تا نسخه نهایی آن تدوین گردد. برخی گفته‌اند از یادکرد صدوق روشن می‌گردد که: «ان کتبه کانت تخضع الاکمال والتدقیق باستمرار اثناء حیاته»^۱.

۵. اگرچه فهرست نویسان، گزارش کرده‌اند که تعداد آثار شیخ صدوق به سیصد اثر می‌رسد، مجموع آن چه نجاشی، شیخ طوسی و دیگران برشمرده‌اند، از حدود ۲۳۰ اثر تجاوز نمی‌کند؛ بنابراین، علاوه بر این‌که آثاری از صدوق به دست ما نرسیده و در گذر ایام، یکی یکی در خاطر زمان در شمار کتاب‌های گم شده قرار گرفته است، سوگمندها حتی نام برخی از آثار شیخ صدوق برای ما گزارش نشده است. شاید بتوان با تحقیقی جامع، نام بعضی از آثار صدوق را پیدا و لیست آثار او را تکمیل کرد.

البته با مراجعه به کتاب‌های موجود شیخ صدوق، نام تعدادی از کتاب‌هایش را به شرح ذیل می‌یابیم که نه در کتاب‌های شرح حال صدوق و نه در گزارش‌های فهرست نویسان اثری از آن‌ها نیست. کتاب‌هایی که نام و وصف آن‌ها در پی می‌آید، از این دسته‌اند. برخی از این کتاب‌ها به یقین به نگارش درآمده‌اند، اما بعضی از آن‌ها، کتاب‌هایی هستند که شیخ صدوق وعده نگارش آن‌ها را به خوانندگان آثارش داده است.

کتاب وصف قتال الشراة المارقین

شیخ صدوق در کتاب *الخصال*، در باب سه‌گانه‌ها، هنگامی که احادیث مربوط

۱. الهدایه، مقدمه، ۱۶۶.

به قتال امیرمؤمنان علیه السلام با گروه های سه گانه قاسطین، مارقین و ناکثین را مطرح می کند، پس از بیان حدیث نخست می گوید، همه احادیثی را که مربوط به این موضوع است، در کتابی با عنوان *وصف قتال الشراة المارقین* جمع کرده است. گفته وی چنین است: «وقد أخرجت كل ما رویته فی هذا المعنی فی کتاب وصف قتال الشراة المارقین»^۱.

کتاب وصف قتال القاسطین بصفین

شیخ صدوق در کتاب *من لا یحضره الفقیه* و در ضمن بحث درباره موضوع «سهو النبی»، از شخصی با نام ابومحمد بن عمیر بن عبد عمرو، معروف به «ذی الیدین» نام می برد؛ سپس می گوید: «وقد اخرجت عنه اخباراً فی کتاب وصف القتال القاسطین بصفین»^۲.

کتاب العظمة

شیخ صدوق علیه السلام در کتاب *التوحید*، پایان باب سی و هشتم که درباره توحید صانع است، حدیثی درباره عظمت خداوند ذکر می کند؛ آن گاه می گوید: «وسأخرج الاخبار التي رویتها فی ذکر عظمه الله تبارک و تعالی فی کتاب العظمة»^۳. چنان که از عنوان کتاب برمی آید، شیخ صدوق این کتاب را در بیان عظمت برخی چیزها و برخی امور دینی تألیف کرده است که یکی از باب های آن درباره عظمت خداوند است. گفتنی است، برخی دیگر از نویسندگان شیعه و اهل سنت نیز کتاب هایی با این عنوان نگاشته اند.

کتاب حقیقة المعاد

شیخ صدوق در پایان باب بیست و هشتم کتاب *الاعتقادات* که درباره اعتقاد به حساب و میزان است و درباره کیفیت معاد بحث کرده است، می گوید: «وسأجرد كيفية وقوع الحساب فی کتاب حقیقة المعاد»^۴.

۱. الخصال، ص ۱۴۴.

۲. ج ۱، ص ۳۶۰.

۳. ص ۳۸۲.

۴. ص ۷۵.

کتابی در موضوع اختلاف الحدیث

شیخ صدوق در پایان کتاب *الاعتقادات* و در آخر فصل چهل و پنجم که درباره اعتقاد امامیه درباره «حدیثین مختلفین» است، می‌گوید:

مردی از زنادقه از امام علی علیه السلام در این باره پرسید و امام درباره تأویل این آیات به او پاسخ گفت، و من این خبر را در کتاب *التوحید* آورده‌ام. ان شاء الله به خواست و کمک خداوند، کتابی در این باره خواهم نگاشت.^۱

از این گفته می‌توان دریافت، ظاهراً شیخ صدوق قصد نگارش کتابی در زمینه علوم حدیث با گرایش «اختلاف الحدیث» داشته است. شایان ذکر است، که او کتابی با موضوع «غریب الحدیث» به نام *غریب حدیث النبی و الائمه علیهم السلام* نیز دارد.^۲

کتاب اثبات سهو النبی

شیخ صدوق در کتاب *من لایحضره الفقیه*، پس از بحثی کوتاه درباره سهو النبی صلی الله علیه و آله می‌گوید:

وانا احتسب الاجر فی تصنیف کتاب منفرد فی اثبات سهو النبی صلی الله علیه و آله الرد علی منکریه ان شاء الله.^۳

چنان‌که از این گفته پیداست، او با توجه به اهمیت موضوع می‌خواست کتاب مستقلی درباره اثبات سهو برای پیامبر صلی الله علیه و آله و رد منکران آن بنگارد. حال نمی‌دانیم وی به انجام این کار در حدود ده سال باقی مانده عمرش (پس از نگارش این مطلب) موفق شده است یا خیر؟ البته شواهد موجود، حکایت از عدم نگارش این کتاب دارد.

کتاب شرح دین الامامیه

در مجلس نود و سوم کتاب *الامالی*، چنان‌که از متن برمی‌آید، عده‌ای از مردم نیشابور و مشایخ و شاگردان شیخ صدوق از وی درخواست کردند که دین امامیه را به اختصار و ایجاز برای ایشان وصف کند. در این مجلس که در سیزدهم شعبان ۳۶۸ قمری برگزار شده بود، صدوق به توصیف دین امامیه در اصول و فروع پرداخت و در پایان

۱. ص ۱۲۶.

۲. فهرست (طوسی)، ص ۲۳۷.

۳. ج ۱، ص ۳۶۰.

مجلس گفت:

هذا ما اتفق املأه على العجلة من دين الامامية وساملي شرح ذلك و تفسيره اذا سهل الله لي العود من مقصدى الى نيسابور^۱

در این هنگام که صدوق عازم سفر به سرزمین های ماوراءالنهر بود، وعده املاى شرح و تفسیر این متن را به شاگردانش داد.

کتابی درباره ارواح و نفوس

از جمله کتاب هایی که شیخ صدوق وعده نگارش آن را در کتاب هایش داده است، کتابی درباره ارواح و نفوس است. او در پایان باب پانزدهم کتاب الاعتقادات درباره اعتقاد به نفوس و ارواح می گوید: «وانا اصنف فى هذا المعنى كتاباً اشرح فيه معانى هذه الجمل ان شاء الله تعالى»^۲ این که آیا شیخ صدوق به نگارش کتابی در این موضوع توفیق یافته است یا خیر، بر ما معلوم نیست و نام آن در لیست های فهرست نویسان نیامده است.

۱. الامالی، ص ۷۵۱.

۲. ص ۵۰.

کتاب نامه

- الاعتقادات فی دین الامامیه، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه (شیخ صدوق)، تحقیق: عصام عبد السید، بیروت: دارالمفید، دوم، ۱۴۱۴ق.
- الأمالی، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، تحقیق: مؤسسه بعثت، قم: مؤسسه بعثت، اول، ۱۴۱۷ق.
- التوحید، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، تحقیق: سید هاشم حسینی تهرانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، اول، ۱۳۹۸ق.
- الخصال، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی، دوم، ۱۴۰۳ق.
- الذریعة الی تصانیف الشیعه، شیخ آقابزرگ طهرانی، بیروت: دارالاضواء، دوم، [بی تا].
- رجال الطوسی، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، اول، ۱۴۱۵ق.
- رجال النجاشی (فهرست اسماء مصنفی الشیعه)، ابوالعباس احمد بن علی النجاشی الکوفی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، پنجم، ۱۴۱۶ق.
- علل الشرائع، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، نجف: مکتبه حیدریه، اول، ۱۳۸۶ق.
- عیون اخبار الرضا، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، تحقیق: حسین اعلمی، بیروت: مؤسسه اعلمی، اول، ۱۴۰۴ق.
- الفهرست، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، اول، ۱۴۱۷ق.
- کتاب من لایحضره الفقیه، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی، دوم، ۱۴۰۴ق.
- کمال الدین وتمام النعمه، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
- معانی الاخبار، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۳۶۱ش.
- المقنع، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، تحقیق: مؤسسه امام هادی علیه السلام، قم:

مؤسسة امام هادى عليا، اول، ١٤١٥ق.
- الهداية فى الاصول والفروع، محمد بن على بن حسين بن بابويه، تحقيق: مؤسسة امام
هادى عليا، قم: مؤسسة امام هادى عليا، اول، ١٤١٨ق.